

## نقش ولایت فقیه

در

## مسائل اقتصادی



حضرت آیت الله  
حسین نوری

قسمت یازدهم

تعریف علم اقتصاد - معنای لغوی و اصطلاحی - اقتصاد از علوم اجتماعی است - رابطه علم اقتصاد با علوم دیگر - طرح یک نقشه اقتصادی کامل - احتیاج به این طرح - مبارزه اسلام با اسراف - اسراف چیست - مرز و مراتب نیازمندیها - شناخت مرزها - اسراف در راههای خیر - تبذیر - اسراف و عواقب آن - پایهها و اصول نظام اقتصادی اسلام - ۱ - اصل مالکیت متنوع - ۲ - آزادی در گسترش ارزشهای اسلامی .

زیر بنای سیستم سرمایه داری و دلایل آنها برای آزادی نامحدود ۱ - آزادی مساوی با رشد تولید ۲ - آزادی مساوی با خواسته فطری و پاسخ آنها از نظر ما -

آزادی اقتصادی در گسترش ارزشهای اسلامی فکر کاپیتالیستی و فکر اسلامی - تحصیل ثروت از راههای نامشروع - محدودیت های اقتصادی در گسترش ارزشهای اسلامی - محدودیت ذاتی و محدودیت عینی - سرچشمه ذاتی و محدودیت ذاتی تربیت اسلامی است .

الف : قلمرو و قانوتگذاری

" ولی فقیه " با توجه به کلیات احکام اسلامی و با در نظر گرفتن شرائط و اوضاع زمان ، لازم است قوانین و مقرراتی را وضع کند که در سایه آن کشور اسلامی خود - کفائی و استقلال کامل داشته از کلیه وابستگی هائی که ممکن است حیثیت و عزت مسلمانان را خدشه دار سازد مصون و

سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی ایفا می کند ، نقش بسیار مؤثری را نیز در رابطه با مسائل اقتصادی جامعه عملی میسازد .

هر چند تشریح و تحلیل نقش " ولی فقیه " در مسائل اقتصادی جامعه احتیاج به فرصت بیشتری دارد ولی عجلاناً برای نمونه دو مطلب را که یکی ارتباط با قلمرو قانون - گزارى وی دارد و دیگری با از بین بردن فقر مربوط است در اینجا یاد آور میشویم :

یکی از اصول مسائل اقتصاد اسلامی " ولایت فقیه " است که بدون آن موضوعات اقتصادی اسلام هرگز قابل پیاده شدن و تحقق یافتن نیست . یعنی همانطور که رهبر اسلامی در نتیجه تخصص در علوم اسلامی ، آگاهی از اوضاع و شرائط عصر و زمان خود ، مدیریت کافی و شهامت لازم ، نقش مهمی را در تأمین استقلال فرهنگی ،

محفوظ باشد و بعلاوه در حیات اقتصادی خود بطور روز افزون رو بنکامل برود .  
اهمیت این موضوع با توجه باین چند مثال روشن می گردد :

۱ - لازم است در زمینه ' داد و ستد کالاها مخصوصاً بازرگانی خارجی و واردات و صادرات بمنظور تأمین و حفظ استقلال کامل جامعه، قوانینی وضع کند و همچنین با توجه به احتیاجات فرد و اجتماع و درجه بندی مراتب احتیاجات برای جلوگیری از تبذیر و اسراف و تجمل طلبی مقرراتی را تدوین نماید و گرنه استقلال جامعه اسلامی به مخاطره می افتد و یا مواد و نیروها بهدر می رود .

۲ - با توجه باینکه احیا ' زمینهای موات مورد توجه اسلام است و افرادی که باین موضوع مهم اقتصادی قیام می کنند مورد تشویق قرار گرفته اند، اما در این زمینه نیز لازم است از طرف " ولی فقیه " ضوابطی تعیین، وحد و مرزها مخصوصاً با توجه به مناطق و نواحی کاملاً مشخص و به ملت مسلمان ابلاغ گردد، زیرا اگر ضوابطی در بین نباشد افرادی که دارای امکانات بیشتری میباشند در سایه قدرت و امکانات خود به احیا ' مقدار زیادی از زمینهای مواتی که در مجاورت شهرها و روستاها واقع شده است، اقدام می کنند و در نتیجه افراد دیگری که می خواهند این قبیل زمینها را احیا ' کنند ولی بواسطه نداشتن امکانات زیاد قدرت رقابت با آنها را ندارند به زحمت و ضرر می افتند و میدانیم که اسلام بطور کلی جلو ضرر و مزاحمت را می گیرد و اجازه نمی دهد که افرادی باعث ضرر و مزاحمت افراد دیگر گردند .

۳ - در زمینه ' تولید انواع کالاها و تاسیس مراکز تولید و همچنین توزیع کالاها لازم است قوانین و ضوابط دقیقی از طرف ولی فقیه تعیین شود تا تولید و توزیع بر اساس ضوابط و موازین

دقیق صورت بگیرد و در نتیجه از هدر رفتن مواد و نیروهای انسانی در راه تولید کالاها ی غیر ضروری و همچنین از زیاده روی و مصرف بی جا و زیاده روی و اسراف در رابطه با توزیع، جلوگیری کامل بعمل باید .

بطور کلی سیستم اقتصادی اسلام در سطح مقررات و قانونگذاری احتیاج مبرمی به " ولایت فقیه " دارد تا با توجه به شرایط و مناطق زندگی در هر عصر و زمان قوانینی وضع و ضوابطی تعیین کند تا در عین اینکه جلو هرج و مرج و استثمار و استعمار را بگیرد، حرکت اقتصادی جامعه بسوی تکامل را تحقق بخشد .

#### ب - ریشه کن ساختن فقر

در احادیث بسیاری که از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم صادر گردیده است مدقت فراوانی از " فقر " بعمل آمده بطوریکه آنها کابوسی خطرناک و دشمن بزرگ انسانها معرفی کرده اند و ما برای نمونه تعدادی از آنها را در اینجا می آوریم :  
حضرت امیر مومنان (ع) فرمودند :  
" از فقر " به خداوند پناه ببرید که باعث عقب ماندگی و نارسائی در امور دینی و موجب بیضائی عقل و ناسامانی فکر است . (۱)

و نیز فرمود :

" الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ "

یعنی : فقر بزرگترین مرگ است . (۲)  
و نیز حضرتش فرمودند :  
تنگدستی افراد زیرک و هشیار از زبان حجت و دلیل خود گنگ و لال می گرداند و شخص فقیر و بینوا در شهر خود نیز غریب است . . . (۳)

و فرمود : توانگری در غربت وطن و فقر در وطن غریب است (۴) یعنی مال و

ثروت آنقدر نقش دارد که غربت را برای شخص توانگر مانند وطن موجب رفاه او و مرکز آشنائی و الفت می سازد، اما فقیر بواسطه تهیدستی و نداشتن مال حتی در وطن خود نیز غریب و بی آشنا است و در رنج است .

از طرفی این مطلب را نیز میدانیم که دین اسلام این رسالت را بعهدده گرفته است که به جهان بشریت زندگی پاکیزه و کامل بدهد و مفاهیم دینی یعنی عقائد و اخلاق و اعمال مردم را بمرحله ' تکامل برساند و عقل و فکر بشر را نیرومند گرداند . چنین دینی باید در درجه اول " فقر " را که از خطرناکترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی است از میان بردارد، زیرا تا فقر در میان مردم وجود دارد طبق گفتار حضرت امیر مومنان (ع) ضعف عقلی و انحطاط فکری و انواع نارسائیها نیز موجود است .

البته باین نکته نیز توجه داریم که برخی از افراد باندازه ای کامل میباشند که فقر و سائر شادان زندگی در روح آنها تأثیر نمیکند و آنان را از انجام وظائف انسانی هرگز باز نمیدارد بلکه آنان در برابر شادان و مصائب زندگی آبدیده تر و کامل تر می گردند ولی بحث در اینجا برسر نوع افراد است و قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ .

و بطور کلی هر چیزی در محیط مناسب خود رشد می کند و محیط فقر، محیط مناسبی برای رشد برخی از مفاهیم دینی مانند عدالت، امانت، صداقت . . . نیست و بطور کلی دانشمندان جامعه شناسی و جرم شناسی و مجرم شناسی روابطی میان :  
فقر و مرض ،

فقر و جهل و انحطاط فرهنگی ،

فقر و مرگ زود رس ،

فقر و وابستگی سیاسی ،

فقر و وابستگی اقتصادی .

فقر و جرائم و جنایات، قائل میباشند. از دیدگاه مبانی اقتصادی اسلام ریشه کن ساختن "فقر" فقط در رابطه با "ولایت فقیه" میسر می‌گردد زیرا اسلام از طرفی منابع ثروت جامعه از قبیل دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، جنگلها، نیزارها، معادن، زمین‌های موات را که مجموعاً "انفال" نامیده میشود در اختیار ولی فقیه قرار داده و از طرف دیگر از لحاظ برنامه تربیتی و فرهنگی او را موظف گردانیده است که به باسواد کردن افراد و شکوفا ساختن استعدادهای آنان قیام کند و روشن است که "ولی فقیه" با این وضع و با این مقدمات برای همه افراد کار مناسب و مقتضی ایجاد میکند و در سایه این امور هم فقر و بیکاری از میان میرود و هم کشور آباد می‌گردد و در نتیجه مردم در سطح عمومی از یک زندگی مرفه بهره‌مند می‌گردند. بعلاوه مالیات اسلامی نیز که بودجه بسیار مهمی را تشکیل میدهد تحت نظر ولی فقیه در راه بهبود زندگی مردم صرف میشود.

البته افرادی را نیز که بجهت زسادی سن یا نقص بدنی یا بیماری، قدرت کار کردن ندارند حکومت اسلامی که در رأس آن ولی فقیه قرار گرفته است اداره میکند. روزی پسر مردی که بینائی چشم خویش را از دست داده و ناگزیر دست احتیاج به سوی این و آن دراز می‌کرد از جلو حضرت امیر مؤمنان (ع) و جمعی که همراه وی بودند عبور کرد حضرتش پرسید این وضع چیست؟

در پاسخ گفتند: "این مرد نصرانی است که ناگزیر سؤال می‌کند: "آیا آن حضرت با اظهار تأسف فرمود: "این شخص را ناهنگامی که جوان بود و قدرت کار کردن داشت به انجام کار وادار گردید ولی وقتیکه پیر و ناتوان گردید مورد توجه قرار ندادید! از بیت المال مسلمانان او



را اداره کنید" (۵)

از حدیث این چند نکته استفاده میشود:

۱- هرگز نباید در جامعه اسلامی افرادی که از جهت مضیق اقتصادی ناچار به سؤال کردن از مردم باشند وجود داشته باشد.

۲- این قبیل افراد باید تحت نظر افراد مسئولی با ضوابط معین از بیت المال اداره شوند.

۳- در این قبیل موارد ضوابطی که با سن و سال بازنشستگی و قدرت مزاحی و نقص و سلامت بدن این افراد ارتباط پیدا می‌کند باید با نظر ولی فقیه معین و مقرر گردد.

این موضوع نیز لازم بتذکر است که تکالیف و وظایفی که اسلام در مورد "فقر" و "فقرا" مقرر کرده و کمک کردن به افراد فقیر را لازم دانسته و پرداخت زکاة و صدقات به آنها را مورد توجه قرار داده، هرگز دلیل آن نیست که "فقر" لازم، نظام اقتصاد اسلامی است و این برداشت که مبانی اقتصادی اسلام طوری تنظیم گردیده است که باید افراد فقیر و تهی دست و تنگدست در اجتماع اسلامی وجود

داشته باشد درست نیست، بلکه واقع مطلب این است که دین اسلام در برنامه اقتصادی خود در درجه اول می‌کوشد فقر را ریشه کن سازد بطوری که همه افراد از یک زندگی نوآم با رفاه و منزه از مضیق اقتصادی بهره‌مند باشند ولی این نکته را در نظر گرفته است که اگر در نتیجه عملی نشدن احکام اسلامی و پیاده نشدن برنامه اقتصادی اسلام "فقر" در جامعه راه پیدا کرد، هرگز مردم مسلمان نباید در برابر فقر و فقرای بی تفاوت باشند بلکه وظیفه دارند در چنین موقعیتی به کمک و دستگیری آنها بشتابند و با ایثار و انفاق و احسان به این زخم اجتماعی مرهم نهند و التیام بخشند.

خلاصه این اصل مهم این است که "ولی فقیه" در زمینه اقتصاد از یکسو اجرای قوانین اسلامی از استثمار و بهره‌کشی، رباخواری، احتکار، کنز، گرانفروشی، قمار، میخواری، اسراف، تبذیر و حمل ظلمی جلوگیری میکند و ثروتهای در جهت تحقق بخشیدن به عدالت اقتصادی و رفاه بکار میاندازد و از یکسو قوانین لازم و مناسب زمان و مناطق در مورد صادرات، واردات، بازرگانی، تولید، توزیع و تعیین نرخها و قیمت‌ها وضع می‌کند.

و از طرف سوم "انفال" را بر برنامه دقیق و جامع چنانکه ذکر شد مورد بهره برداری کامل قرار میدهد، بعلاوه با وضع مالیاتهای لازم و نظارت کامل بر فعالیت‌های اقتصادی، جامعه اسلامی را در جهت حیات اقتصادی کامل بحرکت درمی‌آورد و کاروان پویای بشریت را در راه زندگی پیش میبرد.

ادامه دارد

۱- کلمات قصار نهج البلاغه ۲۹۱

۲- کلمات قصار نهج البلاغه ۱۶۲

۳- کلمات قصار نهج البلاغه ۳

۴- کلمات قصار نهج البلاغه ۵۵

۵- وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۹.